

به نام خدا

تأثیر روش تدریس انعکاسی بر مهارت های تفکر انتقادی و انگیزه پیشرفت دانش آموزان

مولفان :

زهرا دشتبان

بهرروز جلالی

زهرة کریمی

صفورا معدلی

مریم بنان

انتشارات بامن

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: دشتبان، زهرا، ۱۳۷۷-
عنوان و نام پدیدآور: تاثیر روش تدریس انعکاسی بر مهارت های تفکر انتقادی و انگیزه پیشرفت
دانش آموزان/ مولفان زهرا دشتبان، بهروز جلالی، زهره کریمی، صفورا معدلی، مریم بنان.
مشخصات نشر: انتشارات بامن، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۷۳ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۰۰-۶۰-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص ۷۳-۶۹.
موضوع: روش تدریس انعکاسی - مهارت های تفکر انتقادی - انگیزه پیشرفت دانش آموزان
شناسه افزوده: جلالی، بهروز، ۱۳۶۷
شناسه افزوده: کریمی، زهره، ۱۳۶۹
شناسه افزوده: معدلی، صفورا، ۱۳۶۹
شناسه افزوده: بنان، مریم، ۱۳۶۱
رده بندی کنگره: GV۷۱۲
رده بندی دیویی: ۸۰۱
شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۱۴۱۷۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: تاثیر روش تدریس انعکاسی بر مهارت های تفکر انتقادی و انگیزه پیشرفت دانش آموزان

مولفان: زهرا دشتبان - بهروز جلالی - زهره کریمی - صفورا معدلی - مریم بنان

ناشر: انتشارات بامن

صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۶۷۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۰۰-۶۰-۳

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

۷	فصل اول
۷	مقدمه
۷	مقدمه
۱۰	پیشرفت تحصیلی و تدریس انعکاسی
۱۲	اهمیت تدریس انعکاسی و تفکر انتقادی
۱۵	فصل دوم
۱۵	مبانی نظری و پیشینه تفکر انتقادی و تدریس انعکاسی
۱۵	مقدمه
۱۵	تعریف روش
۱۵	تعریف تدریس
۱۷	روش تدریس انعکاسی
۱۹	مفاهیم گوناگون انعکاسی بودن
۲۲	جایگاه تفکر انعکاسی در تعلیم و تربیت
۲۳	شیوه‌های تقویت تفکر انعکاسی و ارتقاء اندیشه‌ورزی
۲۶	مفهوم تفکر انتقادی
۲۷	پرسشگری؛ قلب تفکر انتقادی
۲۸	اهداف تفکر انتقادی
۲۹	ویژگی های تفکر انتقادی
۲۹	کنجکاوی اندیشمندانه
۳۱	ماهیت تفکر انتقادی
۳۳	تعریف تفکر انتقادی از دیدگاه های مختلف
۳۶	چرا تفکر انتقادی باید قسمتی از تمام دروس باشد؟
۳۶	مربیان تعلیم و تربیت و تفکر انتقادی
۳۶	سقراط
۳۷	افلاطون
۳۸	کانت
۳۹	رابرت انیس
۴۱	ماتیو لیپمن
۴۲	فرایند تفکر انتقادی
۴۴	ویژگی های افراد دارای تفکر انتقادی
۴۵	اهمیت و ضرورت تفکر انتقادی

۴۷.....	تفکر انتقادی و تعلیم و تربیت
۵۱.....	مهارت های تفکر انتقادی
۵۳.....	انگیزه پیشرفت تحصیلی
۵۶.....	منشأ انگیزه پیشرفت
۵۹.....	الگوی اتکینسون در انگیزه پیشرفت
۵۹.....	نظریه مک کلند در انگیزه پیشرفت
۶۱.....	برخی از جنبه های شخصیتی افراد پیشرفت گرا
۶۳.....	آموزش انگیزه پیشرفت
۶۴.....	انگیزه پیشرفت تحصیلی
۶۷.....	راه کارهای ایجاد انگیزه در دانش آموزان و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی

فصل اول

مقدمه

مقدمه

امروزه در تعیین اهداف تربیتی و فرایند آموزش، رویکرد های جدیدی مطرح شده است، یکی از بارزترین رویکردها توجه به تفکر است، صاحب نظران معتقدند که نخستین هدف تعلیم و تربیت بایستی پرورش انسان های صاحب اندیشه و دارای ذهن کاوشگر باشد، رشد و پرورش مهارت های فکری دانش آموزان همواره در آموزش مساله مهمی بوده است به نحوی که متخصصان امور تربیتی بشدت از ناتوانی دانش آموزان در امر تفکر انتقادی ابراز نگرانی کرده اند (شعبانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹). تفکر انتقادی، تفکری مستدل و منطقی است که به منظور بررسی و تجدید نظر عقاید، نظرات، اعمال و تصمیم گیری درباره آنها بر مبنای دلایل و شواهد مؤید آنها و نتایج درست و منطقی که پیامد آنهاست (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰، ص ۲۷).

تفکر انتقادی فرآیند فعالیت منظم عقلانی و ماهرانه مفهوم سازی، کاربرد، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی مجموعه ای از اطلاعات و یا تعمیم آن می باشد که به وسیله مشاهده، تجربه، اندیشه، منطق یا ارتباط به عنوان راهنمای نگرش و رفتار عمل می نماید. تفکر انتقادی سبکی از تفکر در باره هر موضوعی، محتوایی یا مسأله ای است؛ تفکری است که مسائل و سئوالات اساسی را مطرح می کند و آنها را به طور واضح و دقیق فرموله می کند، اطلاعات مرتبط را جمع آوری و بررسی می نماید، عقاید انتزاعی را به طور مؤثر تفسیر کرده تا به راه حلها و نتایج منطقی دست یابد و با دیگران ارتباط های مؤثری را برای حل مسائل پیچیده برقرار می نماید (اسکریون و پاول^۱، ۲۰۰۷، ص ۶۳).

توجه نظام آموزش و پرورش و برنامه درسی به عنوان یکی از حلقه های اساسی نظام کلان تربیتی و آموزشی به مهارت های تفکر به ویژه تفکر انتقادی نقطه قوتی است که می تواند

¹ Scriven.& paul

آموزش و پرورش بالنده را به همراه داشته باشد و ضرورتی اجتناب ناپذیر باید محسوب گردد، در این راستا، مهارت‌های تفکر انتقادی، که هسته تفکر انتقادی را تشکیل می‌دهند شامل تفسیر، تحلیل، ارزشیابی، استنباط، توضیح و خود تنظیمی می‌باشد.

یکی از مهمترین چالش‌های آموزش و پرورش قرن بیست و یکم، چگونگی تربیت فراگیرانی است که از آمادگی لازم برای رویارویی با جامعه در حال تغییر و پیچیدگی‌های عصر انفجار اطلاعات برخوردار باشند. پیشرفت‌های گسترده علمی و فناوری همراه با منسوخ شدن سریع یافته‌ها و اطلاعات قبلی مستلزم نوعی تعلیم و تربیت است که در آن دانش‌آموزان به طور مداوم درگیر فرایند یادگیری و حل مسئله باشند و از رویارویی با چالش‌ها لذت ببرند. برخی تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که یافته‌ها و حاصل پژوهش‌ها در عرض کمتر از چندسال از درجه اعتبار ساقط می‌شوند و کهنه خواهند شد (به نقل از مهرمحمدی، ۱۳۸۹) در این صورت، چگونه می‌توان زمینه‌های لازم شناختی و انگیزشی لازم را در دانش‌آموزان ایجاد کرد تا به صورت خودانگیخته به تجربه بپردازند و به این تجارب از راه تحلیل و تعمق معنا بخشند. یکی از مهمترین راه‌های دستیابی به اهداف فوق، ترویج اندیشیدن و اندیشه‌ورزی در مدارس و مراکز آموزشی است.

اندیشه‌پروری را با واژه‌هایی نظیر «تفکر انعکاسی» بیان می‌کنند. این واژه مبین نقش فعال و درگیری مداوم دانش‌آموزان در فرایند یادگیری و یاددهی است. دیویی^۲ (۱۹۹۳) تفکر انعکاسی را توجه دقیق، فعالانه، و مستمر به اطلاعات و زمینه‌های حمایت‌کننده از آن و درنظر گرفتن نتایج و تبعات آن اطلاعات می‌داند. یادگیرندگان با استفاده از مشارکت فعالانه در این نوع از تفکر یعنی تفکر انعکاسی است که می‌توانند نسبت به یادگیری خودآگاه باشند و آن را کنترل کنند. به طور کلی، منظور از تفکر انعکاسی آن است که دانش‌آموز با دقت و اندیشه لازم برآوردی از دانسته‌ها و عدم دانسته‌های خود ارائه دهد. از این طریق می‌تواند برآورد کند که چه چیزی می‌داند، چه چیز باید بداند، و چگونه فاصله بین این دو وضعیت را تکمیل نماید.

کوان^۳ (۱۹۹۸) معتقد است که دانش‌آموزان در هنگام تفکر انعکاسی درگیر یک مسئله یا رویداد می‌شوند و این درگیری معمولاً به شکل درگیری نزدیک و تنگاتنگ در فرایند یادگیری است و شاخصی از میزان یادگیری فرد به حساب می‌آید. در این معنا، فرد

² Dewey

³ Cowan

یادگیرنده در موقع اندیشیدن به یک مطلب به جزئیات محرک توجه می‌کند. در تفکر انعکاسی از فرایندهای ذهنی سطح بالا که فراتر از تفکر صرف و یادآوری مطلق اطلاعات است استفاده می‌شود. تفکر انعکاسی نقش زیادی در یادگیری و به‌خصوص یادگیری از راه حل مسئله دارد. تحریک تفکر انعکاسی انتقال یادگیری را تسهیل می‌نماید و با تقویت این نوع تفکر به دانش‌آموز کمک می‌شود تا از آموخته‌های خود در موقعیت‌های جدید و پیچیده استفاده کند. ارتباط بین مطالب یادگیری جدید و آموخته‌های قبلی، اندیشیدن به امور انتزاعی و سطح بالا، استفاده از راهبردهای خاص یادگیری، درک تفکر شخصی و راهبردهای یادگیری و پرداختن به یادگیری از راه حل مسئله از جمله پیامدهای مثبت ترویج تفکر انعکاسی است.

رابطه یادگیری مسئله محور و تفکر انعکاسی را می‌توان بدین گونه مطرح کرد که هرگاه دانش‌آموز با مسئله‌ای مواجه می‌شود، تفکر انعکاسی به او کمک می‌کند تا نسبت به پیشرفت یادگیری خود آگاه‌تر شود، راهبردهای مناسب برای حل مسئله را انتخاب کند، و مشخص کند که از چه راهی می‌تواند اطلاعات لازم را برای حل مسئله جمع‌آوری کند. (مون^۴، ۲۰۰۹).

شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه‌های مختلف و تأثیر آنها بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان به معلم کمک می‌کند تا در طرح و اجرای برنامه‌های آموزشی خود روشهای بهتری را به کار بندد. اصطلاح انگیزش را می‌توان به نوان عامل نیرو دهنده، هدایت کننده و نگهدارنده رفتار تعریف کرد (سیف، ۱۳۸۸). انگیزش از مهم ترین عناصر یادگیری در هر نوع محیط آموزشی است که حیطة وسیعی از آموزش و پرورش در بر گرفته است. به طور کلی، انگیزش سطح انرژی و فعالیت افراد را افزایش می‌دهد؛ آنها را به طرف اهداف خاصی جهت داده و فعالیت‌های ویژه‌ای را موجب می‌شود (مصطفایی، ۱۳۸۵). انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی یک پیش‌نیاز یادگیری به حساب می‌آید و تأثیر آن بر یادگیری کاملاً آشکار است. یکی از سازه‌هایی که روانشناسان برای تبیین پیشرفت افراد از آن استفاده کرده‌اند، انگیزه پیشرفت است. گیچ و برلاینر^۵ (۱۹۹۲) انگیزه و پیشرفت را به صورت یک میل یا علاقه به موفقیت در یک زمینه فعالیت خاص تعریف کرده‌اند. طبق

⁴ Moon

⁵ Gage and Brainer

پژوهش‌های انجام شده، افراد دارای انگیزه پیشرفت زیاد در انجام کارها و از جمله یادگیری بر افرادی که از این انگیزه بی بهره اند پیشی می‌گیرند (گلستانی هاشمی، ۱۳۹۰). دوره متوسطه یکی از دوره‌های حساس تحصیلی است که در آن «دانش‌آموزان، به دلیل پشت سر گذاشتن دوران بلوغ، از نظر ماهیت و نوع تفکر دچار تحولات اساسی می‌شوند و به تفکر انتزاعی دست می‌یابند، به علاوه زمینه لازم برای کسب مهارت‌های انتقادی بیش از دوره‌های قبلی برایشان فراهم می‌آید. بنابراین برنامه‌های درسی این دوره باید به نحو شایسته‌ای روحیه تحقیق، خلاقیت و نقادی در تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی را در آنها پرورش دهد (یعقوبی و معروفی، ۱۳۸۹، ص ۶). این موضوع به دنبال این است که تأثیر روش تدریس انعکاسی بر مهارت‌های تفکر انتقادی و انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار دهد.

پیشرفت تحصیلی و تدریس انعکاسی

عصر انفجار اطلاعات و پیشرفت‌های سریع فناوری و علمی بیانگر نیاز آموزش و پرورش قرن بیست و یکم به آن نوع تعلیم و تربیتی است که فراگیران را برای رویارویی با چالش‌های زندگی در حال تغییر و غیرقابل پیش‌بینی آماده نماید. در این نوع تعلیم و تربیت، یادگیری به معنی جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه منظور از آن شرکت فعالانه یادگیرنده در کسب تجارب و معنابخشی به آن تجارب است. در این مفهوم، اندیشه و اندیشیدن جایگاه ویژه‌ای دارد و توأم با یادگیری و حل مسئله به‌شمار می‌آید. تفکر انعکاسی در تعلیم و تربیت مورد نیاز قرن بیست و یکم کاربرد فراوانی دارد. تفکر انعکاسی در تقویت قوای فکری و ذهنی یادگیرندگان، دارای اهمیت است زیرا موقعیتی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند تا به عقب برگردند و بر افکار خود اندیشه کنند.

در روش تدریس انعکاسی، معلمان نقش فعالی در کلاس درس دارند و تکنیک‌ها و راهبردهای آموزشی را خودشان به وجود می‌آورند و یسینگر^۶ (۲۰۰۴) و موون^۷ (۲۰۰۹) نیز معتقدند که معلم انعکاسی، معلمی است که عقاید و نظرات، اهداف و عواقب و پیامدهای حرفه خود را در تمام سطوح، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. بنابراین معلم انعکاسی در حرفه خود با اختیار و اراده از سطح نظریه‌های رایج فراتر می‌رود، نظریاتی

⁶ Weissinger

⁷ Moon